# خوانشی بر حقیقت خمر در پرتو ادله اربعه

عظیمه حاجی صادقیان نجف آبادی[1]

**چکیده**

مسأله نجاست یا طهارت خمر از مسائل مهم و محل بحث در فقه اسلامی است که با وجود روایات و اقوال متعدد، همچنان مورد توجه و اختلاف‌نظر برخی فقیهان قرار دارد. این مقاله با هدف بررسی دقیق ادله فقهی، روایی، قرآنی و اصولی پیرامون نجاست یا طهارت خمر نگاشته شده و سعی دارد ضمن احصاء منابع مختلف، به جمع‌بندی منطقی و فقهی در این خصوص دست یابد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی بوده و مبتنی بر بررسی منابع معتبر فقهی شیعه و اهل سنت، کتب روایی و نظرات فقها در طول تاریخ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت فقهای امامیه، با استناد به آیه 90 سوره شریفه مائده، اجماع فقها، روایات متعدد از ائمه معصومین (ع) و قرائن عقلی و عملی، بر نجاست خمر تأکید دارند. در مقابل، برخی روایات، اصل طهارت و استصحاب مورد استناد قائلان به طهارت قرار گرفته که با بررسی دقیق، دلالت آن‌ها در مقابل مستندات قوی نجاست، ضعیف‌تر ارزیابی می‌گردد. نتیجه این بررسی، تقویت قول مشهور فقهای امامیه مبنی بر نجاست خمر است که با اصول احتیاط، اجماع فقها، و سیره متشرعه هم‌خوانی دارد.

کلید واژه: خمر، طهارت، مسکرات، نجاست

[1] – طلبه سطح دو حوزه علمیه زهراییه

**مقدمه**

موضوع خمر و احکام فقهی مرتبط با آن، از مسائل مهم در فقه اسلامی به شمار می‌رود که از صدر اسلام مورد توجه قرار گرفته است. نزول آیاتی در قرآن در باب حرمت خمر، آغازگر این جریان بوده و پس از آن، روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام وارد شده که تبیین کننده ابعاد مختلف این موضوع هستند.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های نوینی با رویکردهای تطبیقی، حقوقی و جرم‌شناسی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. مقاله «تحلیل فقهی حکم خمر از منظر فقهای معاصر امامیه» اثر محمدتقی سجادی‌فر، با تمرکز بر روایات متعارض و بررسی تطبیقی دیدگاه فقهای معاصر، نشان می‌دهد که نوآوری در تحلیل سندی و دلالی روایات نقش مهمی در بازخوانی حکم خمر دارد. پژوهش «بازشناختی شرب خمر از دیدگاه فقهی و حقوقی و تدابیر پیشگیری از آن» نوشته امیر تقی‌زاده و مرضیه شفقی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به چالش‌های اجرای حد در مصادیق جدید شرب خمر پرداخته و نوآوری‌هایی در سیاست جنایی ایران از جمله حبس‌زدایی و بازتعریف جرم در بستر عرفی را بررسی کرده است. مقاله «نقد و بررسی سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در زمینه شرب خمر»، با تمرکز بر تبصره‌های قانونی و اختلاف نظر فقها درباره مصادیق خمر (مانند عصیر عنبی)، نشان می‌دهد که قانون‌گذار در برخی موارد از دیدگاه مشهور فاصله گرفته و نوآوری‌هایی در تقنین ارائه داده است.

مسأله اصلی این پژوهش، بررسی فقهی حکم نجاست یا طهارت خمر است. سؤال اصلی این است که: آیا خمر صرفاً حرام است یا از نظر فقهی، نجس نیز محسوب می‌شود و در نتیجه در صورت اثبات نجاست، آثار فقهی آن از قبیل لزوم تطهیر لباس، ظروف و سایر اشیای آلوده‌شده، بسیار گسترده خواهد بود؛ در حالی‌که اگر طهارت آن پذیرفته شود، تنها حرمت شرب مورد توجه خواهد بود. این مقاله شامل سه قسمت اصلی بررسی ادله نجاست خمر وادله طهارت و جمع بندی است. در قسمت ادله نجاست خمر ادله قرآنی، روایی و فقهی و اجماعی، در قسمت دوم ادله روایی و در قسمت سوم جمع بندی روایات بررسی شده است.

**الف.ادله نجاست خمر**

**1 . ادله نجاست خمر - ادله قرآنی**

خداوند در آیه 90 سوره شریفه مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»[1]. این آیه به وضوح به حرمت خمر و دیگر موارد اشاره دارد و استدلال بر آن مبتنی بر مفهوم «رجس» است. در اینجا، «رجس» به معنای نجس بودن خمر و موارد دیگر تفسیر می‌شود. این تفسیر می‌تواند به صورت مطلق یا با توجه به اجماعی که در کتب فقهی نقل شده است به‌ویژه در مورد خمر باشد. خداوند متعال در این آیه، وجوب اجتناب از موارد ذکر شده را به نجاست آن‌ها وابسته کرده است. این وابستگی منطقی است و نشان می‌دهد که اجتناب از این موارد به دلیل نجاست آن‌ها ضروری است. ممکن است گفته شود که مواردی که بعد از خمر ذکر شده‌اند، به عنوان مصداق‌هایی برای خمر محسوب می‌شوند و از این رو، اگرچه نجس نیستند، اما به منزله نجاست تلقی می‌شوند. این استدلال به دلیل وجود قرائن عقلی است که بر این مطلب دلالت دارد. در نهایت، با توجه به عدم وجود قرینه‌ای برای ادعای عدم نجاست خمر، می‌توان آن را بر حقیقت حمل کرد و نتیجه‌گیری کرد که خمر به طور قطع نجس است (خمینی، 1376ق، ص.173).

**2. ادله نجاست خمر – اجماع فقهی**

اجماع به عنوان یک منبع معتبر در فقه اسلامی، به ما این امکان را می‌دهد که با استناد به نظر جمعی فقها، حکم نجاست خمر را تأیید کنیم. این اجماع نه تنها به دلیل وجود دلایل فقهی و روایی، بلکه به دلیل توافق عمومی بر این موضوع، قوت بیشتری می‌یابد. در نتیجه، اجماع و شهرت در مورد نجاست خمر، به عنوان یکی از دلایل قوی در فقه اسلامی، برای درک بهتر این موضوع و استدلال های فقهی مرتبط با آن کمک

1 ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده وپاره چوب هایی که به آن تفأل زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

ارزنده می نماید. در خصوص حکم نجاست خمر نیز شهرتی نزدیک به اجماع وجود دارد. به این معنا که اکثر فقها و علمای اسلامی، همچون شیخ طوسی، علامه حلی، صاحب جواهر، محقق کرکی، شهید اول و ثانی، و دیگر بزرگان، به صراحت بدون هیچ‌گونه اختلافی، حکم به نجاست خمر داده‌اند. این اجماع به‌ویژه در میان فقهای امامیه به وضوح مشهود است و نشان‌دهنده اهمیت و اعتبار این نظر در فقه اسلامی است. هم چنین در کتب فقهی و روایی اهل سنت، نظیر مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی، نقل‌های متعددی از فقها و علمای اسلامی وجود دارد که به نجاست خمر اشاره دارند. این نقل‌ها نه تنها از لحاظ محتوایی بلکه از لحاظ تاریخی نیز به قدیم و جدید تقسیم می‌شوند و نشان‌دهنده استمرار این نظر در طول تاریخ است (نجفی، 1404ق، ص.8).

در کتب فقهی مختلف، به نظرات مخالف در مورد نجاست خمر اعتنایی نشده است. این نشان‌دهنده این است که فقها و علمای اسلامی، به‌ویژه در مذهب امامیه، به اجماع بر نجاست خمر اعتقاد دارند و هیچ گونه استثنایی برای مخالفت با این حکم قائل نشده اند. مطابق با ظاهر و حتی صریح برخی کتب، حکم نجاست خمر در نزد همه مسلمانان یکسان است و این موضوع تنها مختص به مذهب امامیه نیست و به‌ویژه در میان فقهای اسلامی به وضوح مشهود است. در کتاب «سرائر»، بعد از بیان نفی خلاف در خصوص حکم نجاست خمر از برخی اصحاب امامیه، به نظراتی که مقتضی حکم به طهارت است اشاره شده است. اما در ادامه بیان شده که این حکم با اجماع مسلمانان مخالفت دارد و به همین دلیل نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. بنابراین اجماع بر نجاست خمر به عنوان یک حکم فقهی، مورد تأیید و اجماع فقها و علمای اسلامی محقق است (حلی، 1410ق، ص.75).

در کتاب «ذکری» شهید اول نیز به نظرات افرادی که به طهارت خمر اعتقاد دارند اشاره شده است. این افراد به احادیث و روایاتی تمسک کرده‌اند که به نظر می‌رسد توان مقابله و تعارض با حکم نجاست خمر را

ندارند. استدلال‌های قائلین به طهارت خمر معمولاً به دلیل ضعف در مستندات و عدم تطابق با اجماع فقها و علمای اسلامی، نمی‌توانند به‌طور مؤثر در برابر حکم نجاست خمر قرار بگیرند (نجفی، 1404ق، ص.10).

لازم به ذکر است موضوع خمر به‌طور کلی از اخبار واحد خارج شده و به روایات متواتر وارد می‌شود. به این معنا که نظرات و احکام مربوط به نجاست خمر، به دلیل وجود اجماع و توافق عمومی، به عنوان یک حقیقت مسلم در فقه اسلامی شناخته می‌شود. وجود اجماع در کلام فقها و اصحاب در خصوص نجاست خمر و همچنین هر مسکر دیگری، به تقویت حکم نجاست خمر کمک می‌کند. این اجماع به‌ویژه در میان علمای اسلامی، نشان‌دهنده پذیرش این موضوع به عنوان یک اصل در فقه اسلامی محسوب است. مرحوم شیخ بهایی در کتاب «حبل المتین» بیان جالبی در خصوص این مسأله دارند. ایشان تأکید می‌کنند که تمامی علمای خاصه و عامه در خصوص نجاست خمر اجماع دارند و تنها عده‌ای کم از آن‌ها به مخالفت پرداخته‌اند. این مخالفت‌ها به‌طور کلی غیرقابل اعتنا تلقی می‌شود و نمی‌تواند در برابر اجماع عمومی قرار گیرد (عاملی، 1390ق، ص.45).

حکم نجاست خمر به دلیل ویژگی‌های مشترک میان انواع مختلف مایعات مسکر، قابل تعمیم به سایر مسکرات نیز می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده این است که هر مایع مسکری که خاصیت مست‌کنندگی داشته باشد، به دلیل تأثیرات منفی آن بر فرد و جامعه، می‌تواند مشمول حکم نجاست قرار گیرد. «کل شراب مسکر» (حلبی، 1417ق، ص.٦٥).

در شرح رساله شهید ثانی، به وضوح بیان شده است که «الفقاع نجس بالاجماع».این جمله نشان‌دهنده این است که فقاع، که نوعی نوشیدنی مسکر است، به دلیل ویژگی‌های خاص خود و تأثیرات منفی آن، نجس محسوب می‌شود.اجماع بر نجاست این نوشیدنی، نیز به عنوان یک اصل در فقه اسلامی، نشان‌دهنده اهمیت و اعتبار این حکم در میان علمای اسلامی است (عاملی، 1421ق، ص.٥٣).

داشته، نماز خواند. این اجازه ممکن است به شرایط خاصی مربوط باشد، به‌ویژه اگر یقین به نجاست لباس وجود نداشته باشد. در فقه اسلامی، اصل بر طهارت است و تا زمانی که دلیل قوی بر نجاست وجود نداشته باشد، می‌توان به طهارت آن اعتقاد داشت. اما اگر از محل تماس اطلاع داشته باشد باید آنرا تطهیر کند. امام علت بیان این جواب را اینگونه بیان کرده اند که خداوند متعال تنها نوشیدن شراب را حرام کرده است و سایر موارد عبادی از جمله نماز خواندن با لباسی که با آن برخورد داشته بدون مانع است.

روایت ابی بکر الحضرمی (عاملی، 1409ق، ص٤٨٣)[1] در این روایت امام صادق علیه السلام به طور واضح به موضوعات مرتبط با تماس شراب خرما با لباس و اجازه نماز خواندن با آن پرداخته‌اند. بیان می کنند هیچ مانعی برای نماز خواندن با این لباس وجود ندارد. در مورد حکم نوشیدن آب از ظرفی که قبلا قطره‌ای از شراب خرما در ان ریخته است امام علیه السلام می‌فرمایند که هیچ اشکالی از نوشیدن این ظرف وجود ندارد. دلیل این امر به خاطر اصل حلال بودن شراب خرما است و حرمت مربوط به خمر می باشد.

در روایت حفص از امام صادق علیه السلام حکم استفاده از ظرفی که قبلاً برای نگهداری خمر استفاده میشده و اگر اکنون پس از خشک شدن آن، برای مصرف سرکه استفاده شود سوال می کند. امام علیه السلام به صراحت بیان می‌کنند که هیچگونه اشکالی برای این کار وجود ندارد (عاملی، 1409ق،ص485)[2].

نظر امام باقر و امام صادق علیه السلام در مورد خواندن نماز با لباسی که با خمر و چربی خوک تماس داشته این است که هیچ اشکالی در نماز خواندن با این لباس وجود ندارد و آنچه توسط خداوند ممنوع اعلام

1 قلت لأبی عبد اللّه علیه السّلام: أصاب ثوبی نبیذ، أصلّی فیه؟ قال: «نعم» قلت: قطرة من نبیذ قطرت فی حبّ، أشرب منه؟ قال» :نعم، إنّ أصل النبیذ حلال، و إنّ أصل الخمر حرام

2 قلت لأبی عبد اللّه علیه السّلام: الدنّ یکون فیه الخمر ثمّ یجفّف، یجعل فیه الخلّ، قال: نعم

شده، فقط مصرف غذایی این مواد است وسایر مصارف مثل پوشیدن، لمس و یا نماز خواندن با لباسی که با این مواد آلوده شده را حرام نکرده است (قمی، 1413ق، ص.۵۵)[1].

**جمع بندی احتمالات**

از مجموع روایت مطرح شده به این نتیجه میرسیم که همه راوایت مبنی بر طهارت یا نجاست خمر در چهار دسته قابل تامل می باشند (خویی، 1418ق، ص.۹۳).

احتمال اول: نجاست خمر، با توجه به روایت صحیح خیار خادم روایات نجاست خمر بر طهارت آن ترجیح داده می شود. از آنجایی که وجود دارد، این روایت به عنوان یک دلیل قوی برای اثبات نجاست خمر محسوب می‌شود.

احتمال دوم: طهارت خمربا توجه به احادیث، می‌توان این فرض را مدنظر قرار داد که در مواردی که شک وجود دارد، باید به ظاهر اخبار دال بر طهارت توجه کرد. به ویژه، دستورات وارده در خصوص شستن مواردی که با خمر برخورد کرده‌اند، ممکن است بیانگر استحباب و تلاش برای پاکی و طهارت باشند نه اینکه به نجاست مطلق دلالت نمایند. به این معنا که در مواردی که روایات دال بر طهارت وجود دارند، می‌توانیم آن‌ها را به عنوان جواز استعمال و ادامه استفاده از اشیاء آلوده در شرایط خاص در نظر بگیریم، به شرطی که احتیاط‌های لازم رعایت شوند.

احتمال سوم: در این احتمال، بر این اساس است که اگر معتقد باشیم که امکان جمع عرفی میان دو دسته از اخبار (اخبار دال بر طهارت و اخبار دال بر نجاست) وجود ندارد، باید اخبار دال بر طهارت را بر اخبار نجاست مقدم کنیم. این نکته به ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که اخبار طهارت با رویکرد عامه در تضاد قرار گیرد. در صورت وجود تضاد آشکار بین این دو دسته، می‌توان نتیجه گرفت که اخبار دال بر طهارت، به دلیل

1 سئل أبو جعفر علیه السّلام و أبو عبد الله علیه السّلام، فقیل لهما : إنّا نشتری ثیابا یصیبها الخمر و ودک الخنزیر عند حاکتها أ فنصلّی فیها قبل أن نغسلها؟ فقالا: «نعم، لا بأس، إنّ اللّه إنّما حرم أکله و شربه و لم یحرّم لبسه و لمسه و الصلاة فیه

مخالفت با عامه، باید در اولویت قرار گیرند. این رویکرد می‌تواند بر مبنای روش رایج تحلیل در فقه اسلامی باشد که همواره سعی می‌کند متون و روایات مخالف عامه را بر هنجارها و عرف‌های عموم ترجیح دهد. بنابراین، این احتمال به ما این اجازه را می‌دهد که با توجه به نصوص و روایات خود اهل بیت(ع)، بر طهارت و پاکی تأکید کنیم و آن را در مقدمه قرار دهیم، به ویژه در مواردی که شواهد و مستندات کافی وجود دارد که این اخبار با قاعده کلی حرمت خمر در تضاد نیستند، بلکه به لحاظ طهارت جایگاه ویژه‌ای دارند.

احتمال چهارم: تامل در بحث نجاست و طهارت به دلیل موافق و مخالف بودن با عامه. بدین معنی که اخبار دال بر طهارت از یک طرف با عمل عامه موافق است، اما از طرف دیگر، به لحاظ حکمی و فتوا با آن‌ها در تضاد قرار دارد. از سوی دیگر، روایات دال بر نجاست خمر، به دلیل نظریه عمومی فقهی، از جهت حکم با عامه توافق دارند، اما از نظر عملی ممکن است در تضاد با رفتار آن‌ها باشند. به همین دلیل، در این شرایط هیچ یک از این دو گروه از روایات نمی‌توانند به صورت قاطع بر دیگری ترجیح داده شوند. در نتیجه نمیتوان شتابزده عمل کرد و باید به بررسی دقیق تمامی ادله، احتمالات، مستندات و فروض قابل طرح در مسئله پرداخته و نحوه استظهار از روایات شریفه را مورد بررسی قرار دهیم (خویی، 1418ق، ص.۹۶).

**نتیجه‌گیری**

بررسی ادله‌ی مختلف قرآنی، روایی و اجماعی نشان می‌دهد که قول به نجاست خمر از قوت فقهی بیشتری برخوردار است. این نتیجه ناشی از این واقعیت است که مشهور فقها، از قدیم‌الایام به نجاست خمر اعتقاد داشته‌اند و این فتوا به‌طور گسترده‌ای در متون فقهی ثبت شده است. این قول با اصل احتیاط، روایات متعدد و سیره‌ی عملی فقهای امامیه هماهنگ است.علاوه بر این، احتیاط در چنین امور حساس دینی، حفظ و تأکید بر نجاست خمر است. در واقع، به‌کارگیری احتیاط به عنوان یک اصل در فقه اسلامی، به مومنین این امکان را می‌دهد که از احتمال نقض احکام شرعی و تقوای دینی دوری کنند. در مقابل، ادله‌ی قائلان به طهارت نیز ممکن است قابل حمل بر موارد و مسائلی غیر از ادعای افراد باشد، این ادله یا ناظر به شرایط

خاص یا با احتمال تقیه و یا ضعف دلالت روبه‌رو هستند. پس می‌توان این احتمال را تقویت کرد که در نبود دلایل قوی و بی‌چون و چرا، قول به نجاست خمر به عنوان رویکردی برتر و مطابق با احتیاط شناخته شود.

از این‌رو، نتیجه‌ی نهایی مقاله آن است که نجاست خمر با استناد به مبانی متقن فقهی و تأمل در احکام شرعی اثبات‌شده و به‌عنوان رویکردی محتاطانه و مبتنی بر حجت‌های معتبر، می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.و باید به‌عنوان حکم مسلّم فقه امامیه تلقی گردد. در عین حال، بررسی اقوال مخالف، به گشودن افق‌های جدید در اجتهاد فقهی و بررسی موضوعات نوپدید کمک می‌کند.

**فهرست منابع**


* قران کریم

1. حلبی، ح. (1417ق). غنیه النزوع. مؤسسه امام صادق علیه السلام قم.

2. حلّی، م. (1410ق ). السرائر الحاوی التحریر الفتاوی. دفتر انتشارات اسلامی قم.

3. خمینی، ر. (1376ق). کتاب الطهاره. چاپخانه حکمت قم.

4. خویی، ا. (1418ق). التنقیح فی شرح العروه الوثقی. موسسه النشر الاسلامی قم.

5. طباطبایی، م. (1416ق). مستمسک العروه الوثقی. موسسه دار التفسیر قم.

6. طوسی، م. (1407ق). تهذیب الاحکام. دار الکتب الاسلامیه تهران.

7. عاملی، ز. (1421ق). رسائل الشهید ثانی. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

8. عاملی، م. (1390ق). الحبل المتین. کتابفروشی بصیرتی قم.

9. عاملی، م. (1409ق). وسائل الشیعه. موسسه آل البیت علیهم السلام قم

10. قمی، م. (1413ق). من لا یحضره الفقیه. دفتر انتشارات اسلامی قم.

11. کلینی، م. (1407ق)، الکافی. دار الکتب الاسلامیه تهران

12. نراقی، ا. (1415ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. موسسه آل البیت علیهم السلام قم.

13. نجفی، م ح. (1404ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. داراحیاء التراث بیروت.

14. نوری، م. (1408ق). مستدرک الوسائل. موسسه آل البیت علیهم السلام بیروت.